



# آزادی از نگاه نیاکان و مقایسه آن با دیدگاه معاصران

بن‌ژامن کنستان دوربک





---

# آزادی از نگاه نیاکان و مقایسه آن با دیدگاه معاصران

بنژامن کنستان دوربک



**توانا**

TAVAANA

آموزشکده آنلاین  
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

*for civic education*

---



آموزشکده آنلاین  
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative  
*for civic education*

<http://www.eciviced.org>

---

آزادی از نگاه نیاکان و مقایسه آن با دیدگاه معاصران  
(The Liberty of Ancients Compared with that of Moderns)

---

بنژامن کنستان دو ربیک (Benjamin Constant de Rebecque)

---

نقاشی روی جلد: بخشی از Paysage à Cassis اثر فرانسیس پیکابیا

---

ترجمه: آموزشکده توانا (آموزشکده آنلاین برای جامعه مدنی ایران)

---

## e-collaborative for civic education

E-Collaborative for Civic Education (ECCE) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند. ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که میشمار صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیر گرای و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است. ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد. سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memaradehgi

Akbar Attari



# آزادی از نگاه نیاکان و مقایسه آن

## با دیدگاه معاصران<sup>۱</sup>

آقایان، ابتدا از خود پرسید که امروزه فردی انگلیسی، فرانسوی یا شهروندی در ایالات متحده آمریکا چه درک و دریافتی از واژه «آزادی» دارد. [با چشم‌پوشی از برخی تفاوت‌ها] برای هر کدام از آنها آزادی به این معنی است که فقط ملزم به تبعیت از قانون باشد و اینکه بر اساس اراده مستبدانه هیچ فرد یا افرادی، بازداشت، زندانی، شکنجه و اعدام نشود. برای آنان آزادی یعنی حق ابراز عقیده برای همگان، انتخاب شغل و پرداختن به آن، مدیریت و یا حتی سوء مدیریت دارایی خود؛ اینکه برای رفت و آمد به کسب اجازه نیاز نداشته باشند و به توضیح و توجیه انگیزه‌ها و مقاصدشان مجبور نباشند. آزادی یعنی حق همگان برای گردهمایی و همکاری با افراد دیگر، چه برای گفتگو درباره منافع، یا برای ابراز باورهای مذهبی، یا فقط برای

---

۱. این خطاب‌های است بنژامن کنستان دو ربیک (به فرانسوی Benjamin Constant de Rebecque) رمان‌نویس سده هجدهم میلادی (زاده ۱۷۶۷ لوزان، سوئیس - درگذشته ۱۸۳۰ پاریس، فرانسه) در سال ۱۸۱۶ با این عنوان ایراد کرده است:

The Liberty of Ancients Compared with that of Moderns

نوشته حاضر ترجمه - همراه با تلخیص - این خطابه است.

وقت گذرانی به نحوی که دوست دارند و لذت می‌برند. در نهایت، آزادی یعنی حق تاثیرگذاری بر دولت چه از طریق انتخاب مقامات مشخص و چه از طریق نمایندگان، دادخواهی و خواسته‌هایی که مقامات کمابیش مجبور به پاسخگویی به آنها هستند. حال این آزادی را با آنچه در دوران باستان بود مقایسه کنید.

آزادی در دوران باستان بیشتر حقی جمعی انگاشته می‌شد و عبارت بود از مشارکت همگانی اما مستقیم در چندین بخش از کلیت حکومت: در رایزنی‌ها، در میدان‌های عمومی و درباره جنگ و صلح، در شکل‌گیری اتحادها با دولت‌های خارجی، در رای دادن به قوانین، در قضاوت‌ها، در بررسی حساب‌ها، رفتارها و نظارت مقامات، در احضار آنها برای حضور در برابر اجتماع مردم، در متهم کردن، محکوم کردن و تبرئه کردن آنان. اما اگر در عهد باستان آزادی این گونه تعریف می‌شد، آنان همراه این آزادی جمعی، فرد را کاملاً تحت انقیاد جامعه قرار می‌دادند. در آن دوره تقریباً هیچ کدام از لذات آزادی‌های دوران مدرن را مشاهده نمی‌کنید. تمام رفتارهای خصوصی تحت نظارت شدید قرار داشت. استقلال فردی اساساً به رسمیت شمرده نمی‌شد، نه در زمینه عقاید، نه در کار و نه در مذهب. حق انتخاب دین که ما آن را یکی از مهم‌ترین حقوق می‌دانیم در دوران باستان جرم و کفر تلقی می‌شد. در حوزه‌هایی که برای ما بیشترین کاربرد را دارند قدرت بدنه اجتماعی دخالت می‌کرد و اراده افراد را زیر پا می‌گذاشت. در میان اسپارته‌ها، تریانداس نمی‌توانست بدون اینکه موجب رنجش افورها شود حتی یک سیم به چنگ خود اضافه کند. قدرت اجتماعی در شخصی‌ترین روابط مداخله می‌کرد. لاسدانومیان جوان نمی‌توانست آزادانه به دیدن نوعروسش برود و بازرسان بر تمام روابط خانوادگی نظارت می‌کردند. قوانین تنظیم‌کننده رسوم بودند و از آنجا که رسوم در همه چیز ریشه دارند، تقریباً چیزی از حوزه نظارت قانون بیرون نبود.

در نتیجه در دوره باستان، فرد که تقریباً همیشه در حوزه عمومی شه‌ریار بود در روابط شخصی خود برده محسوب می‌شد. او به عنوان یک شه‌روند در مورد جنگ و صلح تصمیم می‌گرفت؛ اما به عنوان یک فرد حقیقی به شدت تحت فشار بود و تمام رفتارهایش تحت نظارت و قید و بند قرار داشت؛ او به عنوان عضوی از یک بدنه بزرگ توانایی بازخواست، رد کردن، محکوم کردن، ورشکسته کردن، تبعید و صدور حکم مرگ برای حاکمان و روسای خود را داشت؛ اما به عنوان رعیت بدنه اجتماعی، او توسط همان بدنه که عضوش بود، مقام خود را از دست می‌داد، امتیازاتش از او گرفته می‌شد، تبعید و یا حتی اعدام می‌شد. اما در دوران مدرن، با



اینکه فرد در امور شخصی خود دارای استقلال است، اما در حوزه عمومی حتی در آزادترین کشورها نیز تنها به طور ظاهری حکومت را در اختیار دارد. قدرت او محدود و تقریباً همیشه معلق است. با اینکه در فواصل مشخص و نادر قدرت حکومت دوباره در اختیار او قرار می‌گیرد، او از آن تنها برای تحویل دادن قدرت به دیگری استفاده می‌کند.

استقلال فردی اولین نیاز انسان مدرن است. در نتیجه نباید از او خواست که خود را برای استقرار آزادی سیاسی قربانی کند. زیرا هیچ کدام از نهادهای متعددی که در جمهوری‌های باستان مانع آزادی فردی بودند در دوران مدرن دیگر پذیرفتنی نیستند.

آقایان، ممکن است ابتدا فکر کنید که تبیین این حقیقت کاری اضافی و بیهوده است. [زیرا] بسیاری از دولت‌های دوران ما هیچ گونه تمایلی به پیروی از جمهوری‌های باستان ندارند. درست است که آنها به نهادهای آن جمهوری‌ها علاقه‌ای ندارند، اما نسبت به برخی کارکردهای آنها تمایل نشان می‌دهند. امر نگران کننده این است که آن کارکردها دقیقاً همان‌هایی است که به دولت‌های مدرن اجازه می‌دهد طرد، تبعید و غارت کنند. به خاطر دارم که در سال ۱۸۰۲ آنها ماده‌های به قانون محکمه‌های خاص اضافه کردند که حکم نفی بلد یونانی<sup>۱</sup> را به فرانسه وارد کرد؛ و خدا می‌داند چه تعداد سخنور فصیح برای تصویب شدن این ماده، با ما از آزادی‌های آتن و ایثاری که افراد باید برای حفظ این آزادی کنند سخن گفتند! در موردی مشابه و بسیار جدیدتر هنگامی که مقامات وحشت‌زده تلاش کردند تا با دستانی لرزان در انتخابات تقلب کنند، یک نشریه که نمی‌توان گمان جمهوری خواه بودن به آن داشت، پیشنهاد داد سانسور رومی دوباره برقرار شود تا بتوان نامزدهای [از نظر آنان] خطرناک را حذف کرد.

۱. واژه Ostracism به «نفی بلد» ترجمه شده تا از اشتباه آن با «تبعید» (Exile, Banishment) پیشگیری شود. به رغم وجود نوعی مشابهت، نباید این دو را یکی پنداشت. Ostracism در دولت-شهر آتن به معنای طرد فرد از جامعه، قطع تعاملات اجتماعی وی و سلب موقت یا دائمی حقوق اجتماعی او بوده است. یعنی فرد از لحاظ فیزیکی در جامعه بود، ولی نمیتوانست مثلاً معامله یا ازدواج کند. ولی در آنچه امروزه به عنوان مجازات تبعید می‌شناسیم، فرد به اقامت در شهر/ محلی ملزم می‌شود و حق خارج نشدن از آنجا را ندارد، بدون آنکه لزوماً سایر حقوق اجتماعی او سلب شود. البته امروزه معمولاً به این تفاوت توجه نشده، «نفی بلد» مترادف «تبعید» تلقی میشود. مثلاً ماده ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی (مصوب دوم خرداد ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی) «نفی بلد» را به عنوان یکی از چهار مجازات محاربه و افساد فی الارض نام برده، سپس در شرح آن مجازات، در ماده ۱۹۳ به جای «نفی بلد» از واژه «تبعید» استفاده کرده است.

در نتیجه از دید من این یک بحث بی‌فایده نیست؛ برای تایید این مدعا، درباره این دو موضوع که در مورد آنها به گزاف زیاد سخن رانده شده چند نکته را ذکر خواهم کرد. در آتن مجازات نفی بلد با این پیش‌فرض توجیه می‌شد که جامعه بر اعضای خود چیرگی کامل دارد. در یک دولت-شهر کوچک که نفوذ یک فرد تنها که دارای اعتبار فراوان، مشتریان متعدد و افتخارات بسیار بود، گاه معادل قدرت توده‌ها می‌شد، ممکن بود نفی بلد کردن او امری مفید باشد. اما در میان ما، افراد دارای حقوقی هستند که جامعه باید آنها را محترم شمرد. همان‌طور که پیشتر گفتم منافع فردی چنان در مجموعه‌ای از تأثیرات متقابل برابر یا برتر [اجتماعی] محو شده است که هرگونه تلاشی برای انکار این تأثیرات، بی‌فایده و در نتیجه ناعادلانه است. هیچکس حق تبعید یک شهروند را ندارد؛ این امر تنها در صورتی امکان‌پذیر است که او در دادگاهی متعارف [با رعایت اصول آیین دادرسی عادلانه] به ارتکاب جرمی که طبق قانون رسمی، مجازات آن تبعید است، محکوم شده باشد. هیچ کس حق جدا کردن شهروند از کشورش، مالک از اموالش، تاجر از تجارتش، شوهر از همسرش، پدر از فرزندان، نویسنده از تحقیقات و نوشته‌هایش، و فرد کهنسال از سبک معمول زندگی را ندارد. تمام تبعیده‌های سیاسی در حقیقت سواستفاده‌های سیاسی هستند. تمام احکام تبعیدی که توسط یک محکمه به دلیل امنیت عمومی صادر می‌شوند جرائمی هستند که خود محکمه در حق امنیت عمومی مرتکب می‌شود؛ زیرا امنیت عمومی تنها در گروی احترام به قوانین، رعایت رویه‌ها [و اصول محاکمات عادلانه] و مراقبت از امنیت است.

سانسور رومی همانند نفی بلد، قدرتی بازدارنده است. در یک جمهوری که تمام شهروندان در پرتو قوانین اخلاقی بسیار ساده‌ای در یک شهر زندگی می‌کنند و زندگانی آنان چندان پر مشغله نیست که آنها را از توجه به امور مربوط به دولت کشور باز دارد و نتیجتاً پوسته بر رفتار حاکمان نظارت داشته آنها را ارزیابی می‌کنند، سانسور از سویی می‌توانست تأثیر زیادی داشته باشد و از سوی دیگر قدرت مستبدانه سانسورکننده‌ها توسط ناظران اخلاقی تحت نظارت و کنترل بود. اما به محض افزایش وسعت جمهوری، پیچیدگی‌های روابط اجتماعی و اصلاحات [برآمده از] تمدن [متعالی‌تر] نهاد سانسور را از نقش سنتی خود محروم می‌کرد؛ از آن پس سانسور حتی در خود روم نیز رو به انحطاط گذاشت. این سانسور نبود که اخلاقیات شایسته را به وجود آورده بود، بلکه سادگی و پیچیده نبودن آن اخلاقیات بود که موجب قدرت و موثر بودن سانسور می‌شد.

در فرانسه نهادی استبدادی همچون نهاد سانسور از همان ابتدا غیر قابل تحمل و بی‌تأثیر خواهد بود. در شرایط کنونی جامعه، اخلاقیات از نکاتی ظریف، انعطاف‌پذیر و دقیق شکل گرفته‌اند که اگر کسی برای تبیین دقیق‌تر آن‌ها تلاش کند ممکن است به طرق گوناگون تحریف شوند. تنها افکار عمومی می‌تواند آن‌ها را شکل دهد و درباره آن‌ها ارزیابی کند، چون ماهیت آن اخلاقیات از جنس همان افکار عمومی است. این اخلاقیات علیه هرگونه قدرتی که بخواهد آن‌ها را با موشکافی بیشتری تعریف کند شورش خواهند کرد. اگر دولت مردم مدرن بخواهد مانند مأموران سانسور در روم، شهروندی را مورد سانسور مستبدانه و دلخواه قرار دهد کل ملت به این حرکت اعتراض خواهد کرد و از تایید تصمیمات مقامات تن خواهد زد.

آنچه من درباره احیای سانسور در دوران مدرن گفتم در مورد بسیاری از جنبه‌های سازمان‌دهی اجتماعی صادق است؛ در مورد برخی از آن‌ها، مثلاً امر آموزش حتی با شدت بیشتری به دوران باستان ارجاع داده می‌شود. در این باره بسیار می‌شنویم که باید اجازه دهیم دولت کنترل نسل‌های جدید را برعهده بگیرد تا آن‌ها را به قالب دلخواه خود دریاورد؛ و چه بسیار نقل قول‌های حکیمانه و عالمانه که برای تایید این نظریه به کار می‌رود! ایرانیان، مصریان، گل، یونان و ایتالیا مثال‌هایی هستند که یکی پس از دیگری برای ما بیان می‌شوند. اما آقایان، ما نه ایرانیان تحت حکومت یک حاکم مستبد هستیم، نه مصریان تحت انقیاد کاهنان، نه گل‌ها که به دست مقامات مذهبی قربانی می‌شدند و سرانجام نه یونانی یا رومی هستیم که نقش شهروندانشان در قدرت اجتماعی موجب بردگی آنان در امور شخصی بود. ما انسان‌های مدرنی هستیم که هر کدام می‌خواهیم از حقوق خود بهره‌مند شویم و آگاهی خود را آن گونه که خودمان صلاح می‌دانیم - بدون آسیب رساندن به دیگران - گسترش دهیم و بر توسعه توانایی‌های ذهنی در کودکان نظارت کنیم تا آگاه‌تر و روشنفکرتر شوند و به صاحبان قدرت تنها برای این نیاز داشته باشیم که ابزارهای عمومی آموزش را در اختیار ما بگذارند؛ همان طور که یک مسافر، از جاده‌ای که دولت ساخته استفاده می‌کند، اما از دولت نمی‌پرسد که کدام مسیر را در پیش بگیرد.

۱. گل (Gaul) - به لاتین: Latin: Gallia منطقه‌ای در غرب اروپا است که امروزه فرانسه، بلژیک، غرب سوئیس و بخش‌هایی از هلند و آلمان (بخش غربی رود راین) در آن قرار دارند. گاه واژه «گل» به اقوام سلت که در زمان‌های بسیار دور در این منطقه زندگی می‌کردند اطلاق می‌شود، ولی گل‌ها در زمان قدرت روم در سطح اروپا پراکنده بودند و به زبان گالی سخن می‌گفتند.

دین نیز در معرض این خطرات اعصار گذشته قرار می‌گیرد. برخی مدافعان جسور اتحاد دکترین‌ها، برای حفظ حقوق کلیسای کاتولیک، به قوانین باستانی علیه خدایان خارجی در آتن رجوع می‌کنند؛ همان قوانینی که سقراط را به خاطر تضعیف آیین چندخدایی، یا آگوستوس<sup>۱</sup> را که می‌خواست مردم به دین پدرانشان باقی بمانند، به قتل رساندند؛ همان قوانینی که موجب شد مدتی بعد اولین مسیحیان به کام شیران انداخته شوند. آقایان بیایید به این تحسین‌ها از برخی خطرات باستانی با دیده شک بنگریم. از آنجا که ما در دوران مدرن زندگی می‌کنیم من خواهان گونه‌ای از آزادی هستم که با عصر مدرن متناسب باشد؛ چون ما تحت حکومت‌های پادشاهی زندگی می‌کنیم، من از این حکومت‌ها با فروتنی می‌خواهم روش‌های سرکوب ما را از جمهوری‌های باستانی وام نگیرند.

تکرار می‌کنم که «آزادی فردی» همان آزادی مدرن حقیقی است و آزادی سیاسی تضمین‌کننده آن است؛ در نتیجه آزادی سیاسی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. اما اینکه از مردم امروزی بخواهیم مانند گذشتگان، آزادی فردی خود را قربانی آزادی سیاسی کنند، مطمئنترین راه برای جدا کردن آنان از آزادی فردی است. پس از نیل به این مقصود، به راحتی می‌توان آزادی سیاسی را [نیز] از آنان گرفت!

۱. گایوس اکتاویوس تورینوس (Gaius Julius Caesar Augustus) در گذشته سال ۱۴ میلادی) از نوادگان برادری ژولیوس سزار و جانشین او بود. اکتاویوس مایل نبود با عنوان سلطنت حکومت کند و با پیشنهاد سنا لقب آگوستوس (Augustus) را که خاص خدایان بود، پذیرفت. او از عنوان امپراطور نیز استفاده می‌کرد. اکتاویوس یکی از مهمترین گسترندگان امپراتوری روم بود و برای توسعه و حفظ قلمروی روم الگوی نظامی مهمی را بر مبنای تقسیم ارتش روم در بریتانیا، حوزه راین، حوزه دانوب، ارتش فرات، ارتش مصر و ارتش آفریقا پدید آورد.



